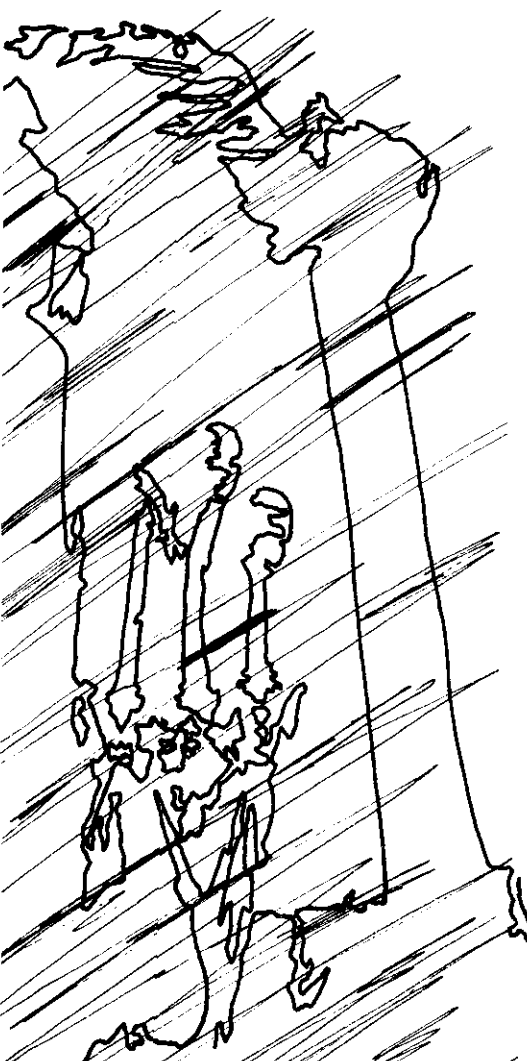




حفظ آثار جنگ

با عنایت به تجربه تاریخی شیعه

مهندس احمد اصغریان جدی

جنگ حق علیه باطل، پدیده تازه و حرف جدیدی نیست. سراسر تاریخ بشر از یک چنین برخوردهایی حکایت داشته، دارد و خواهد داشت. منتهی، اگر کنجکاوانه به تاریخ رجوع شود، مشاهده خواهیم کرد که شیعیان در هر جنگی تلاش داشته‌اند، آثار جنگ را با توجه به جنبه‌های ارزشی آن حفظ نموده و نمونه‌های بارز حقانیت خود را به عنوان الگویی جهت تداوم مبارزه حق و باطل به آیندگان ارائه دهند.

واقعۀ صحرای کربلا و تداوم آن حرکت را، به عنوان نمونه مشخصی از این نوع تجربه، می‌توان مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. آنگاه با اتکاء به نتایج حاصله، در جنگ تحمیلی گذشته عراق علیه ایران نیز مبانی ارزشی و عملی مشخص برای حفظ آثار جنگ تحصیل نمود. زیرا تا ارزش‌ها شناخته نشوند مسلماً هر حرکت و به دنبال آن هر سرمایه‌گذاری، از راستای مبانی فرهنگ اصیل اسلامی به دور خواهد بود.

حفظ آثار جنگ با عنایت با تجربه تاریخی مستقیم

بخش اول: واقعه کربلا به عنوان نماد حق بر علیه باطل:

از صفات بارز واقعه کربلا مبحث ایثار، آن هم در شکل متعالی و مطلق آن است. زیرا عملاً کثرت لشگریان خصم، بر طبق هر منطق نظامی، احتمال وقوع غلبه بر دشمن را منتفی می نمود. لذا، شب قبل از واقعه، امام هر نوع قیدی را از یاران برداشته و حقیقت روز بعد را بر آنان معلوم ساختند.

با آنکه جمعیت همراه آن حضرت قابل توجه بود، نه تنها دستور جهاد ندادند بلکه کار را بر مبنای دفاع نیز نگذاشتند و تنها مخلصین بودند که به ندای هل من ناصر ینصرنی لبیک گفتند.

امام در چنین تجلی گاه ایثار، زن، بچه و خانواده خود را نگه می دارند و به دیگران اجازه رفتن می دهند. و برای تمامی این اقدامات، یک استراتژی نهفته و آن حفظ و آموزش ارزش های اسلامی در مسیر تاریخ است.

برای تظاهر این استراتژی و عینیت بخشیدن به آن، امام تاکتیک های مناسبی انتخاب می کند. چون اکنون او می خواهد برای یک ارزش جنگ

کند، لذا این ارزش از همه ابعادش مطرح می گردد. او تمام منطق های رایج نظامی را بهم می ریزد. بهترین لباس ها را می پوشد. علی اصغر و علی اکبر را به میدان آورده، رجز می خواند. گرانبهاترین انگشتر را به دست می کند تا خیانت دشمن را در غارت آن، آشکار نماید. او می کوشد تا به جهانیان بفهماند، که جنگ با من مطرح نیست، اساساً این قوم خبیث اند، این قوم ناحق و باطل هستند. این جنگ، جنگ ارزش و ضدارزش است که در مقابل هم قرار گرفته اند. حضرت چند بار با اطفال و خانواده خود وداع می کند تا آنان خاطره آن روز را به خاطر بسپارند. به بهانه های مختلف حضرت قاسم، حضرت علی اصغر را جلو می برد، آنان تیر می خورند، اما باز مقاومت ادامه می یابد.

امام می کوشد تا آموزش دهد و در این آموزش نقاب از چهره دشمن بردارد تا اطرافیان امام و بعضی از لشگریان ناآگاه خصم، ماهیت واقعی آنان را شناخته و بعداً بازگو نمایند. تاکتیک جنگی که امام انتخاب فرموده بودند نیز در خدمت همین استراتژی قرار داشت. هدف دشمن این بود که با یک یورش سریع، در سپیده دمان، امام و یارانش را از بین ببرند، تا از این حماسه خاطره ای در اذهان باقی نماند. اساساً ویژگی

معصیت و گناه در سرعت آن است، چون حباب بر آب، حال آن که همواره حق پایدار است. امام با تائیدی که اتخاذ کرد، سعی داشت جنگ را طولانی کند، تا رسالت بیشتر تثبیت شود. لذا یاران او (هفتاد و دو تن) که در حلقه دشمن قرار داشتند، شبانه خندقی به دور خود حفر می‌کنند این خندق دارای یک مدخل کوچک بود. با طلوع سپیده‌دم، دشمن در اندیشه حمله سریع، ناگهان با مدخل کوچکی روبرو می‌شود که نیزه‌دارانی در مقابل آن به دفاع برخاسته بودند. در اولین حمله به این مدخل، بیشترین تلفات بر دشمن وارد شده و اسب‌های رمیده خصم، به نوبه خود تلفات سنگین‌تری وارد می‌سازند. در یک چنین موقعیتی، دشمن لاجرم تسلیم به جنگ تن به تن می‌گردد.

از آنجا که جنگ برای آن حضرت یک کار فرهنگی و ارزشی بود، لذا در هنگام ظهر نماز را بجا می‌آورند سپس، کارزار، رجزخوانی و کارهای هنری در خواندن رجز، تا این که دشمن بر کالبد امام و یارانش تسلط جسته و جنگ، خاتمه می‌یابد.

طولانی‌شدن جنگ، موجب می‌شود که اردوگاه دشمن از تمام جزییات باخبر شوند. خطبه‌های حضرت زینب پایه‌های کاخ یزید را می‌لرزاند، سجده‌های امام سجاد، گریه‌های امت امام در بین مردم سؤال ایجاد می‌کند. دعا‌های صحیفه و استغفار امام، هریک، به نوبه خود تذکاری است به مردم تا گناه دشمن را تداعی نماید. دشمن می‌کوشد، اصحاب امام را تروریست معرفی کرده، لذا به جعل اخبار می‌پردازد، مردم را تحمق می‌کند، و... ولی شیعیان که محق بودند از روشنگری دست برنمی‌دارند.^(۱)

بخش دوم: تبلور عینی کربلا در آثار هنری: شیعه حقانیت و مظلومیت خود را در هنرهای مختلفی هویت می‌بخشد و آنها را در معماری، موسیقی، ادبیات مردمی و... متبلور

می‌سازد. هنر او مجرد نیست، هنری است انضمامی که متولی آن مردم هستند. در عین حالی که این هنر نیازهای ملموس و روزمره مردم را رفع می‌نماید، به نیازهای آنان نیز جواب می‌دهد. مثل سقاخانه که از یکسو تذکاری است از تشنگی امام و یارانش در روز عاشورا، و از دیگرسو رفع نیاز عابرین تشنه‌لب را نیز می‌نماید و در دل شب با روشنایی خود رهنمون راه عابرین است. و یا حسینیه‌ها، تکایا، قدم‌گاه‌ها و... که هر کدامشان نه تنها تلفیقی است از تداعی واقعه عاشورا، بلکه در عین حال با کاربری عملی جهت رفع حوایج زندگی روزمره، مردم را به خود فرامی‌خواند و ارزش‌های حق‌طلبانه امام و یارانش را آموزش می‌دهد.

ادبیات مردمی نیز با بکارگیری ابزاری چون تعزیه، هنرهای نمایشی، روش‌های مختلف صوتی، پرده‌داری و... مطالبی نوشته شده بر کتاب‌ها، در درون کتابخانه‌ها و برای خواص نیستند، بلکه به دنبال تثبیت و حفظ یک نظام ارزشی در دل مردم و در میان آنها هستند. در واقع، شیعه بهترین روش را جهت بیان عدالت انتخاب نمود. لذا با عنایت به یک چنین تجربه تاریخی است که باید آثار جنگ را حفظ کرد و از تمام عناصر هنری و تجربه‌های غنی گذشته استمداد جست. چون جنگ دیروز ما نیز جنگی بوده است برای حفظ ارزش‌های اسلامی، لذا در مقابل آنانی که می‌خواهند تاریخ را تحریف کنند، باید به همان شیوه (که چهارده قرن استمرار یافته و قابلیت خود را نشان داده) توسل یافت.

برای تثبیت وقایع جنگ تحمیلی و یا تأکید بر حفظ تداوم حرکت حق‌طلبانه، باید هنرهایی به استخدام درآیند که در پیوند با تجربه گذشته بوده و در عین حال کاربردهای عملی مشخص و مردمی داشته باشند. برای مثال در نخستین گام باید به یک سری تعاریف و توضیح مقدماتی و یک طبقه‌بندی اجمالی از هنرهایی که در گذشته به استخدام درآمده و برای بیان مطالب انتخاب گردیده بودند،



دست یابیم. طبقه‌بندی مزبور را می‌توان به شرح زیر ارائه داد:

الف - هنرمعماری شامل:

۱ - تزیینات (مناظر)

بکارگیری خطوط، استفاده از اشکال کاربرد هندسه

۲ - عملکرد (رفع نیازهای مردم: سایه، آب آشامیدنی، روشنایی، هدایت غربیان...)

۳ - فضا (مناره‌ها، ورودی‌ها، قوس‌های نرم و ملایم حتی در جایی که معماری خطی است و...)

ب - هنرهای نمایشی شامل:

۱ - تعزیه

۲ - پرده‌خوانی

۳ - نوحه‌خوانی، قه‌زنی، زنجیرزنی و...

ج - هنر ادبیات شامل:

۱ - مدیحه‌سرایی و مرثیه‌خوانی

۲ - ادعیه

۳ - شرح مصایب

۴ - روضه‌خوانی

۵ - نوحه‌خوانی

۶ - زیارات

۷ - ...

د - هنرهای تجسمی و (سمبلیک) شامل:

۱ - تجسمی

۲ - نمادی (علم، پرچم، کتل، نخل، علامت و...)

ه - ضبط احادیث، روایات (علوم اسلامی) (معقول و منقول) شامل:

۱ - علم رجال و درایه

۲ - علم حدیث

۳ - علم فقه

۴ - علم اصول

۵ - ...

و - تجهیز به علوم غیردینی (علوم دخیله) شامل:

۱ - فلسفه

۲ - منطق

۳ - ریاضیات

۴ - طبیعیات

۵ - کلام

۶ - و...

ز - موسیقی شامل:

۱ - صوت انسان

۲ - ابزار (کرنا، کرنی)، و (شیپور)،

(طبل)، (سنج) و...

لازم به تذکر است که جنبه‌های استدلالی بندهای «ه» و «و» حاکم بر جنبه‌های هنری بوده لیکن این علوم پشتیبانی‌کننده اصلی هنرهای فوق‌الذکر بوده‌اند. علوم مذکور محتوای قیام را حفظ می‌کرده و هنرهای موصوف به این محتوا کالبدی بر مبنای اصول زیباشناسی و علم استحسان، می‌دادند تا در بیننده و شنونده اثری دایمی و همیشگی باقی گذارد.

تمامی هنرهای موصوف، از دیدگاه هنری صرف و محض، به هیچ وجه مطرح نیستند، بلکه خاستگاه آنها در منطق استقرار، همانند مجموعه ریشه، ساقه و میوه درخت است. در این تمثیل، هنر به مثابه میوه و گل درخت، ریشه به سان منطق استقرار توصیف می‌گردد. آنچه در اینجا مطرح و اصیل قلمداد می‌شود، موضوعیت منطق استقرار است. وقتی منطق بر حسب نیازهای مصرف تحقق می‌یابد، هنرمند نیز تمام میانی هنری خود را در مسیر این منطق به کار می‌گیرد. در مجموع می‌توان گفت که هنر هنرمند در قید و محدودیت آن منطق استقرار قرار دارد. ذیلاً به منطق استقرار بعضی از عناصر معماری اشاره خواهیم داشت:

الف - مسجد

مسجد مکانی است که زمین آن دارای اعتباری خاص است و احکام ویژه‌ای بر آن سیطره دارد. مسجد محلی است که مسلمانان در برابر پروردگار یکتا خاضعانه تسلیم می‌شوند، تا تسلیم دیگر بندگان خدا و هوای نفس خود نگردند. او خدای را تسبیح و سجده می‌کند و مسجد سجده‌گاه

اوست، بر مبنای اصول اعتقادی، اولین فضای مورد نیاز مسلمانان بوده است. مسجد از صدر اسلام اولین عنصری است که بر مبنای نگرش اسلامی نسبت به عملکرد خود شکل عینی و کالبدی به خود گرفته و این شکل در طی زمان، مراحل تکاملی خاصی را پیموده است. در صدر اسلام، عموماً فضاهای معابد متروک اقوام مختلف برای مسجد مورد استفاده قرار گرفته است. در این دوره مسجد و حریم اطراف آن عملکردهای مختلف اجتماعی را بر عهده داشت که بعدها هریک از مسجد جدا شده و در یک بافت شهری با مسجد ترکیب شدند.

عملکردهای اولیه مسجد عبارتند از: محل مدیریت حکومتی به ویژه خطبه به نام حکومت وقت خواندن در نماز جمعه - محل قضاوت - محل تدریس علوم و فنون - پناه بی‌پناهان (اصحاب صفا) - محل تجمع توده مردم در وقت اضطراری و پخش اخبار - اعزام نیرو برای اردو زدن در خارج از شهر (مصلی - سبزه - میدان) و...

پس از تغییر نطفه شهرهای ایرانی در زمان خلفای راشدین، حکومت به دست امویان افتاد که روش ضداسلامی اتخاذ نمودند. در این دوره سپاهیان و توده‌های تازه‌مسلمان با همان شیوه انقلاب، تبلیغ و ترویج اسلام می‌نمودند. پایگاه بنی‌امیه در شام بود که تحت تأثیر تمدن بیزانس قرار داشت. از این رو تلفیقی از تمدن غرب و فرهنگ اسلامی در شامات درآمیخت و رشد یافت. لذا در ایران، تمدن ایرانی چندان مورد تشویق امپراطوری بنی‌امیه قرار نگرفت. بعد از خلفای راشدین، در ایران تغییرات چندانی در شهرنشینی رخ نداد. یعنی تغییر نطفه شهری و استفاده از بناهای متجانس با اسلام مانند آتشکده‌ها و متروک کردن ابنیه طاغوتی مانند کهنه‌دژ و بعضاً شارستان‌ها و توسعه ربض و ایجاد پدیده جدید به نام مسجد و دارالخلافه و خدمات جاری و تولیدی و شهری مانند کاروانسرا، مسجد جامع، بازار و حمام و... سیر تکاملی کالبدی مساجد

ایرانی را می‌توان به صورت زیر طبقه‌بندی نمود:

۱ - مساجد صدر اسلام تا قرن پنجم: این دسته از مساجد شامل دو دوره بنی‌امیه و بنی‌عباس است که در آن شیوه معماری عربی رواج یافت. مسجد در این دوره حتی‌المقدور با الگوی مدینه النبی از لحاظ رفت و آمد (سیر کولاسیون) انطباق دارد، با مناری در کنار مسجد، در سادگی بسیار و ارتفاع کم و دیوار باربر حجیم مانند مساجد تاری‌خانه دامغان، مساجد شهرهای یزد، ری، شوش، شوشتر، اردستان.

۲ - مساجد ایرانی: که از تغییر عملکرد بناهای مذهبی به مسجد، شکل اولیه خود را بازیافته و از صدر اسلام نیز تا اواخر بنی‌امیه و بنی‌عباس (اوایل قرن دوم هجری قمری) رواج داشته است. مانند چهارطاقی ساسانی یزدخواست و یا مسجد جمعه تبریز و... که علت اصلی استفاده از اینگونه آتشکده‌ها را می‌توان به شرح زیر تبیین کرد:

- استفاده از آتشکده برای مساجد: به علت اعتقادات پیشینیان، تعدادی از آتشکده‌ها دور از محیط زندگی و آلودگی‌ها ساخته می‌شوند که عموماً یا در ربض و یا در حاشیه دور از آن یا به بیان امروزی خارج از محدوده شهر مستقر بوده‌اند. پس از تغییر نطفه شهر از کهن‌دژ به ربض، استقرار سپاهیان اسلام معمولاً در کنار شهر بوده است. لذا بهترین جا که ویژگی پاک‌ی معابد را داشته می‌توانست برای مسجد نیز مورد استفاده قرار گیرد. این فضاها از لحاظ معماری دارای آنچنان شکوه طاغوتی کاخ‌ها و دیگر ابنیه شاهی نبود و همچنین پلان ساده مربع آن به ویژه اگر یک ضلع آن به طرف قبله باشد مناسبی برای مسجد بوجود می‌آورد. تنها کافی بود که با گذاشتن تیغه مناسب آن را محدود و محصور می‌کردند و اطراف و محوطه باز چهارطاقی باعث می‌شد استقرار چادر و یا معماری مناسب برای استقرار دارالخلافه تشکیل شود و همچنین ایجاد محوطه مناسب و یا حیاط محصور که نیاز تجمع توده مردم را برای

اجرای مناسب مراسم جمعی و اعزام نیرو، تزیینات، قضاوت و... آماده می‌کرد که بعدها همین چهارطاقی نطفه توسعه مسجد جامع در ادوار مختلف گردید.

۳ - دسته سوم شامل تلفیقی از مدرسه و مسجد است که زمان ضعیف‌شدن خلفای عباسی و قدرت‌گرفتن حکومت‌های کوچک محلی در ایران، به علت نیاز به توسعه آموزش علوم دینی ساخته شدند.

مدارس دولتی نظامیه که محل تحصیل علوم عالییه بوده است و به وسیله خواجه نظام‌الملک وزیر آل‌بارسلان و ملک‌شاه سلجوقی، بنیان‌گذاری شد، در ادامه این روش تلفیقی بنا شدند. از آن جمله مدرسه نظامیه خوارگرد خراسان که مقارن سال ۴۸۰ هجری قمری به پایان رسیده و به نوشته آندره گدار، قدیم‌ترین «مسجد - مدرسه» بزرگ چهار ایوانی است.

۴ - دسته چهارم مساجدی هستند که همراه بافت مذهبی - خدماتی مجاور خود به صورت مجتمع شکل گرفته و یا در تکامل ابنیه گذشته از نو طراحی گردیدند. این مجتمع‌های مذهبی - خدماتی که اکثراً بعد از دوره صفویه ساخته شده‌اند، شامل مسجد، مدرسه، حسینیه، تکیه، حمام، سقاخانه و آب‌انبار بوده و در ارتباط با بافت بازار استقرار یافته‌اند. نمونه‌های این مجتمع‌ها در بافت شهرهای سنتی دیده می‌شود.

ب - دارالخلافه:

این عنصر معماری که در صدر اسلام نزدیک و چسبیده به مسجد و به عبارتی محل سکونت ولی امر بود بعدها به دلایل مختلف از مسجد جامع دوری گرفته و حتی تبدیل به کاخ‌های بنی‌امیه و بنی‌عباس گردید. اما در صدر اسلام، محل استقرار والی، در دارالخلافه بود و نزدیک مسجد جامع و به دنبال آن نیروهای رزمی که تحت فرمان ولی امر بودند. این استقرار در ربض، باعث شد امنیت به ربض منتقل شود و عملاً کهن‌دژ که

قبلاً دارای امنیت و حفاظت بود، ناامن گردد. از این رو جذب سرمایه و فعالیت مردم در زیر سایه امنیت دارالخلافه، رشد یافت و در عوض ساکنان کهن‌دژ برای امنیت به ربض آمده و به مرور کهن‌دژ خالی از سکنه و متروک گردید.

ج - بازار:

بعد از خلفای راشدین که بیشتر در جنبه انقلاب فرهنگی، سرمایه‌گذاری شد، استقرار منطقی عناصر معماری و شهرسازی، مد نظر قرار گرفت. تقریباً یک قرن طول کشید که تحولات فرهنگی در جوامع اسلامی بوجود آید، و حکومت‌های وقت هم که خود در رفاه و خوشگذرانی و اعمال ضد اسلامی مشغول بودند، به اندازه «پوش حکومتی» اثر گذاشتند و حکومت اصلی در روابط فرهنگی مردم استوار گردید و احکام فقهی به ویژه احکام منبث از حقوق مانند ارث، وقف، مالکیت، انواع معاملات و... یک حکومت مردمی در ولایت‌های مختلف را به وجود آورد که عامل اصلی پیدایش تمدن اسلامی در مناطق مختلف کشورهای اسلامی شد. حکومت‌های وقت نیز تا زمانی که فرهنگ اسلامی با بقای آنها در تضاد نبود کاری با آن نداشتند و حتی آن را نیز توسعه می‌دادند و به عنوان جهاد اسلامی، نیرو اعزام می‌کردند و سپاهیان اسلام با همان شور و شوق انقلابی برای اسلام جانفشانی می‌نمودند و مراکز حکومتی هم از جزیه و خراج این لشکرکشی‌ها بهره‌مند می‌شدند. به علت گستردگی امپراطوری اسلامی، مازاد تولید کشاورزی و به دنبال آن نیاز به دادوستد (که در پهنه امپراطوری احتیاج به راه‌سازی و راه‌داری و خدمات راهی در کشور بود) احتیاج به تولیدات صنعتی خدمات راهی داشت و مازاد این تولیدات صنعتی به توسعه انواع کالاهای صنعتی دیگر کمک نمود که خود به عنوان یک دور تولید و مصرف باعث توسعه بازارهای اسلامی شده نه تنها جنبه دادوستد، بلکه مرکز مدیریت تولیدات کشاورزی و حتی اصناف دیگر نیاز به فضای معماری خاصی

را مطرح نمودند. در دوره بنی امیه، می توان رشد بازارها را مشاهده کرد. بازار به عنوان یک بافت بهم پیوسته به نوبه خود موجب ایجاد فضاهای خدماتی دیگری همچون کاروانسراها، حمام ها، نانوایی ها، دالان ها، دکاکین و... گردید.

د - حسینیه:

حسینیه همانطور که از نامش پیداست، تذکری است بر حماسه امام حسین (ع). حسینیه ها در نزدیکی مساجد، فضایی چند عملکردی خاص با هویت های معماری سنتی و بومی را بوجود می آورند که گاهی جنبه گذرگاه عابر پیاده را هم داشتند. این فضاهای در اوقات عادی حتی محل بازی اطفال قرار می گرفت و یا فضایی عمومی برای تجمع مجالس زنانه و یا مردانه بوده است. بنای حسینیه ها به تناسب اقلیم و ویژگی های بومی، شکل های متفاوتی داشته است. نمونه های بسیار زیبایی آن را در شهرهای نطنز، اردستان و دیگر شهرهای حاشیه کویر می توان مشاهده کرد.

در ایام محرم، کلیه اقشار برای شنیدن وعظ، خطابه، مشاهده تعزیه، عزاداری دسته های مذهبی و... در آن تجمع می کنند. هیچ قید شرعی بر این فضا حاکم نیست و لذا قیود حاکم بر مسجد، مانند داشتن غسل واجب، بر آن جاری نمی گردد.

ه - تکیه:

در مواردی که امکان مالی برای احداث حسینیه نبوده، برای برپاداری مراسم عزاداری ماه محرم، فضای مشخصی در مقطع زمانی فوق تخصیص می یابد. این فضا معمولاً از فضاهای عمومی مجتمع های زیستی مثل انبار، زیرزمین، معابر عمومی و... انتخاب می شده یا بانیان خیر، محل زندگی خود را بدین امر اختصاص می دادند. محیط تکیه با نصب پارچه های سیاه، علائم نمادی، تزئین و به مدت محدودی به عزاداری تخصیص

می یافت. این رسم کماکان ادامه دارد و برای نسل فعلی، غریب نیست.

لازم به تذکر است که تکیه دولت که بنای آن به دستور ناصرالدین شاه و به مباشرت خان معیرالممالک در ضلع شرقی کاخ گلستان و در مجاورت شمس العماره در سال ۱۲۹۰ هجری قمری ساخته شده است، در حد خود از اهمیت خاصی برخوردار است. این بنا به قول ساموئل بنجامین (نخستین نماینده دولتی آمریکا در زمان ناصرالدین شاه) تقریباً دوپست پا قطر، قریب هشتاد پا ارتفاع داشته است. بنای تکیه دولت بر روی تکه چوب بستی به طرز طاق احداث شده بود که به واسطه آهن آنها را با یکدیگر وصل نموده و چادری بر روی این چوب بست می کشیده اند تا داخل تکیه از بارش و آفتاب مصون باشد.

بنای تکیه دولت به سبک آمفی تئاترهای غربی احداث گردید. چنانکه ساموئل بنجامین در مشاهدات خود از این بنا می گوید «چون از کالسکه پیاده شدم، بنای بزرگ مدوری را مانند آمفی تئاتر و ردن دیدم».

به لحاظ ماهیت دولتی تکیه دولت در ایام غیرعزاداری، از آن بر حسب مورد استفاده های مختلف در کارهای دولتی می شده، از همین رو تکیه دولت را با تکیه های مردمی نمی توان مقایسه کرد و سنخیتی با آن ندارد. قابل به تذکر است که فضای تکیه از لحاظ تقدیس به پای حسینیه ها و حسینیه به پای مساجد نمی رسیده است.

و - مقابر متبرکه:

با آنکه خواندن نماز در قبرستان از افعال مکروه است و با توجه به کراهاتی که نسبت به گورستان و مقابر وجود دارد، معهذا شیعه برای حفظ خاطره ایشان بزرگ مردان تاریخ، به مقابر اهمیت ویژه ای می دهد. این توجه و عنایت برخاسته از مرتبه اجتهاد در فقه جعفری است.

در این مکان ها به یمن وجود پاک بدن مطهر شهدا، موارد اطراف آن نیز، در هاله ای از

تطهیر قرار گرفته و مورد احترام مردم قرار می گیرد. این تطهیر ماده و احترام بدان، به مناسبت هم نشینی با بدن مطهر امامان، فرزندان و اصحاب مخلص آنان است، از خاک کربلا گرفته تا ضریح معصومین...

گلی خوشبوی در حمام روزی

رسید از دست محبوبی بدستم
بدو گفتم که مشکي يا عبيري
که از بوی دلاویز تو مستم
بگفتا من گلی ناچیز بودم
وليکن مدتی با گل نشستم
کمال هم نشین در من اثر کرد

وگرنه من همان خاکم که هستم
هنرمند و معماران نیز، مزارها را متناسب با اقلیم محیط و فرهنگ و نیاز مردم بومی و زوار طراحی می نمودند. متولیان این مزارها نیز محل را برای پذیرایی زوار آماده می کردند. هنرمندانی که حاضر به فروش هنر خود به دربانان نبودند، اطراف مزار را جلوانگاه عرضه هنر خود قرار داده و تجلی گاهی از حسن و جمال فراهم می آوردند و آن را به زوار عاشق و محب خاندانی علی (ع) تقدیم می داشتند. لذا اطراف همین مقابر، سوای رفع حوائج و نیازهای زوار، صحنه هایی از تلفیق محل (سایه، آب و هوا و...) و مناظری از بکارگیری هنرهای معماری (کاشی کاری، آینه کاری، آجرکاری، کتیبه و...) به وفور مشاهده می شد که به رایگان در معرض استفاده زوار قرار داشته است. جلوه و شکوه این مقابر، گاه از کاخ زورمندان بیشتر بوده که این زیبایی از فیض لذت هنری روح هنرمندان آزاده نشأت می گرفته است. هنرمندانی که با بکارگیری هنر خود در خدمت اسلام، خود را نیز تعالی داده و با عنایت بخشیدن به ذوقیات خود، زمینه انتقال آن را به آیندگان نیز فراهم می نمودند.

در کمتر گوشه ایران است که نمونه هایی از این نوع مقابر وجود نداشته باشد. حتی در نقاط دورافتاده نیز این محل ها مشاهده می شود و بین اهالی نیز روایات زیادی در مورد علل استقرار آنها

وجود دارد.

پدیده حفظ تجلیل از مقابر شهداء و علماء به ویژه امامزادگان که اکثراً به درجه شهادت نایل آمده‌اند، با سبک رازی بیشتر نمایان گشت. سبک رازی با ظهور دیلمان آغاز شده و تا اندکی پس از حمله مغول پائیده و در روزگار زیاران و بویان و سلجوقیان در آسیای صغیر رواج داشته است. نماد سقف‌های شیب‌دار هرمی که مختص اقلیم شمال ایران است به صورت یک نماد هرمی یا مخروطی در گیلان و مازندران شکل گرفته و در اقصی نقاط ایران تعمیم یافت. اگرچه اینگونه سقف‌ها برای کویر و مناطق حاشیه‌ای آن و دیگر اقلیم ایران رابطه منطقی اقلیمی ندارد ولی به عنوان نشانه (سمبل) ابنیه شیعه در شیوه رازی خود را نمایان ساخت. به جرأت می‌توان گفت که این نشانه بیانگر نحوه تفکر شیعه است، معهدا در این راستا سلاطین و شاهان نیز بهره جسته‌اند و برای تجلیل بعد از مرگ خود، از یک چنین نمادهایی سوءاستفاده کرده‌اند.

ز - مدارس و حوزه‌های علمیه:

بعد از فتوحات صدر اسلام و گسترش تمدن اسلامی، جدا از آموزش‌های دینی، نیاز به درس‌هایی از علوم دخیله زمان به وجود آمد و لازم بود مدارس اسلامی دارای گستردگی خاص شود. بدین ترتیب مدرسه از مسجد جدا، ولی همجوار آن گردید.

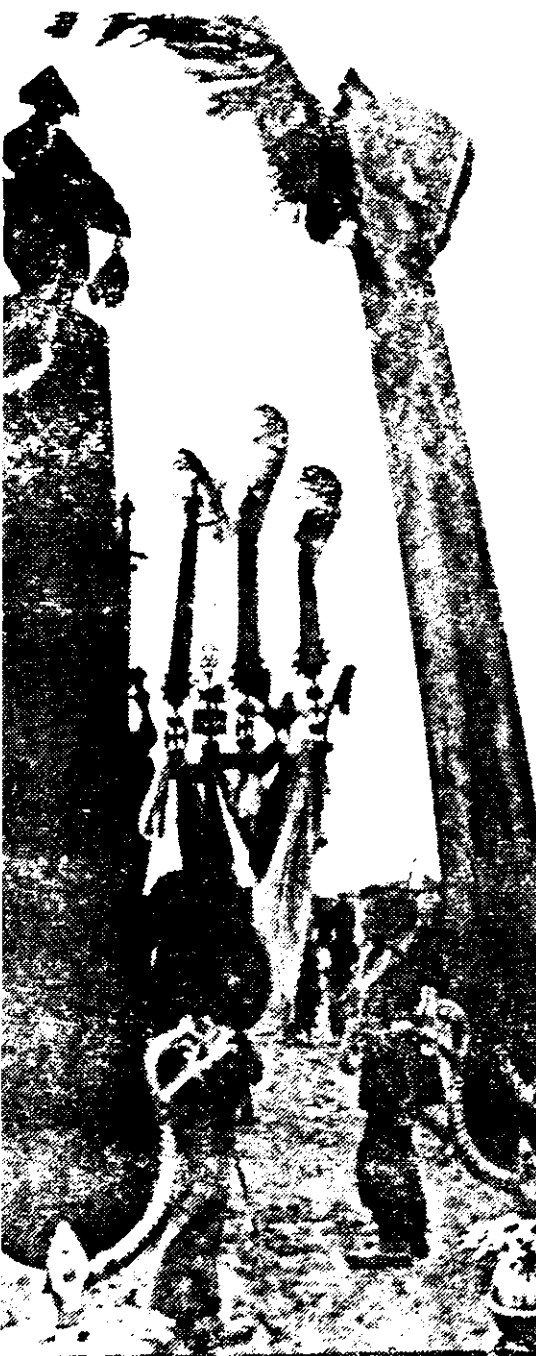
نظر به نیاز دربار خلفا برای آوردن دانشمندان خارجی به لحاظ تحکیم موقعیت سیاسی خود و مقاومت شیعیان در این تهاجم علمی و همچنین تحول در مسلمانان به ویژه دانشمندان، حوزه‌های علمیه رشد یافتند. بدین ترتیب اصول روش طلبگی در تمام شئون آموزش پا به عرصه وجود گذاشت. حتی در بازار، دیگر مسئله تولید و توزیع کالای محض مطرح نبود بلکه به موازات آن اصناف پا به عرصه وجود گذاشتند و دکاکین شاگردان را جهت آموزش حرفه به

استخدام درآوردند.

روش آموزش و پرورش (طلبگی) در تمام علوم دینی و به موازات آن صنفی ایجاد گردید و حتی نیروهای مقاوم مذهبی به ویژه شیعیان که نمی‌توانستند علنی فعالیت آموزش و پرورش داشته باشند در منازل و مساجد محدود و در محلات با این روش، شاگرد تربیت می‌کردند. از جمله آموزش چند هزار نفر دانشجو توسط امام جعفر صادق (ع) است، که به علت مخفی بودن فعالیت، مکان آن دارای معماری ویژه‌ای نیست و در فضاهای مختلف معماری از جمله منازل، این فعالیت‌ها انجام می‌شد. در همین دوره، معماری ویژه آموزش عالی علوم در نظامیه‌ها توسط حکومت عینیت پیدا کرد.

ح - سقاخانه:

سقاخانه‌ها بیشتر در کنار آب‌انبارها استقرار داشته‌اند. آب عنصری حیاتی بوده و از سوی دیگر مقدس. این عنصر خود تذکاری است، بر تشنگی حضرت امام حسین (ع) و یارانش در روز عاشورا. لذا شیعه با بکارگیری مناسب آن و با تداعی روز عاشورا، با احداث سقاخانه‌ها و ارائه آب رایگان به تشنه‌لبان، فضایی را در سقاخانه‌ها طراحی می‌نماید که مردم بدان احترام گذاشته و شمع نیز نذرش می‌نمایند. روشنائی شمع، گذرها را منور ساخته (در زمانی که برق وجود نداشته است) و عابران را در دل شب تیره، رهنمون بوده است. سقاخانه نیازی به متولی نداشته، و به لحاظ کاربری عملی آن (رفع تشنگی، روشن نمودن راه)، مردم از آن مراقبت می‌کرده‌اند. با عنایت به تقدسش از گزند و تعرض مصون بوده است. در احداث سقاخانه‌ها، هنر کاشی‌کاری، کتیبه، خطاطی و ضریح‌کاری و... بکار می‌رفته و در مجموع از معماری متعالی برخوردار بوده است.



با حمله مغول به ایران و جنایات وحشیانه این قوم، در بین مردم بعضی از نیروهای مقاومت شکل گرفت. به لحاظ ابعاد گسترده کشتار توسط مغولان، تنها آنهایی که دارای نطفه‌های اصیلی از بینش بودند توانستند مقاومت کرده و پایدار بمانند، مانند سربداران و دیگر نهضت‌های شیعی. خانقاه با نگرش ایجاد پایگاه‌های مقاومت در بیرون از شهرها، شکل گرفت. این پایگاه‌ها دارای استحکامات قابل توجه بوده و به عنوان یک دژ، عملکرد دفاعی داشته است. خانقاه‌ها از نظر نگهداری آب، آذوقه و... فضاهای لازم را داشته و در عین حال این فضا، برای تقویت قوای ذهنی افراد مستقر در آن زمینه مساعدی را فراهم می‌نمود. لذا برای ارائه چنین فضایی، می‌بایست معماری خاصی به استخدام درآید تا درون‌گرایی در عین تجمع را القاء نماید. خانقاه‌ها از چنین عملکردی برخوردار بودند. لذا توانستند، فضای لازم برای حرکت‌های حق‌طلبانه را فراهم آورند. در اینجا لازم به توضیح است که شیعیان و سنیان در احداث خانقاه همسان عمل می‌کردند، منتهی سنی‌ها شهدای خود را در فضای باز خانقاه دفن می‌نمودند ولی شیعیان در زیر پوشش سقف‌ها. درویش اولیه، مبارزینی بودند که علیه مغول جنگ چریکی می‌کردند و با پرورش قوای دماغی خود و با اتکاء به ایمان قوی، زمینه‌ساز استحاله حکومت آنان در زمان العجایتو (سلطان محمد خداپنده) و سپس استقرار حکومت صفویه گردیدند. تبریز و کاشکول نیز نزد آنها معنی و مفهوم خاصی داشته است. ابزار مبارزه و کاشکول وسیله جمع‌آوری کمک‌های مردمی برای ادامه مبارزات بوده است.

ی - حظیره:

بعد از استقرار حکومت صفویه و تحقق آمال شیعیان و دستیابی به حکومت، دیگر خانقاه‌ها

که پایگاه‌های مبارزه بیرون از شهرها بود ضروری احساس نگردید. لذا استنباط می‌شود که درویش، به حظیره‌ها که به تدریج در کنار و در حاشیه شهرها شکل گرفتند، انتقال یافتند. حظیره، فضایی بود محصور به چهار دیوار و بدون سقف، بسیار ساده و بدون تزئین. شهرها برخلاف خانقاه‌های خارج از شهر که درویش را از نظر فکری غنا می‌بخشید، فضای لازم فکری آنان را سلب می‌نمود. بهر حال در درون شهرها مردم درگیر مسائل روزمره، به امرار معاش مشغول بودند و این فرط تعلق مردم شهرها به علائق دنیوی موجب دلزدگی درویش گردید. لذا آنان مأمن خود را در حظیره‌ها یافتند. از طرف دیگر درویش به اهداف مبارزاتی خود نیز دست یافته بودند، و در نتیجه به علت حذف ملاحظات مبارزاتی، جنبه‌های درون‌گرایی و تخدیری در بین آنان قوت گرفت. بدین ترتیب است که خانقاه، درویش، تبریز، کاشکول و... مفاهیم بنیادی خود را به تدریج از دست داده و از معنی تهی و به انحراف گرائید. علاوه بر موارد مذکور، عناصر زیر نیز با نگرش جنبه‌های وقفی و استفاده رایگان مردم برای رضای خدا در معماری اسلامی دیده می‌شود:

- زاویه (مراکزی بوده‌اند برای تحصیل علم و برای عبادت و خدمات رایگان)

- کاروانسراها (که ابن سبیل را پناه می‌داده و به گمراهان در بیابان‌ها، ره می‌نموده)

- دارالشفاء

- بیت‌الکتب

- گرمابه‌ها

- دارالضیافه

- صفه (مکان‌هایی برای استقرار خانوار

بی‌مسکن)

... و ...

برای آشنایی بیشتر با عملکرد فضاهای مذکور می‌توان به کتاب مقدمه‌ای بر فرهنگ وقف نوشته ابوسعید احمدبن سلمان از انتشارات سازمان اوقاف مراجعه کرد.

نتیجه‌گیری:

اقدام به عمل طراحی، نیازمند به مبانی نظری یا مبادی اولیه برای طراحی است. مبانی نظری در واقع کار طراح را تدارک می‌بینند. بدون این مبانی، طرح کالبدی را می‌ماند که فاقد روح است. در واقع طراح برای تقرب به طرح، می‌بایست قبلاً خود را مجهز به این مبانی نماید. وقتی این امکان فراهم شد، یعنی هنگامی که طرحی محتوا و روح خاص خود را یافت، یا به عبارت صحیح‌تر وقتی مواد اولیه طراحی در اختیار طراح قرار گرفت، طرح معنی یافته و قابل توجه می‌گردد. در این مقاله با عنایت به تجربیات تاریخی و بررسی شواهد گذشته، روش‌های مختلف حفظ آثار جنگ در تمدن اسلامی با تکیه بر تجارب تاریخی شیعه مورد مذاقه قرار گرفت تا مبانی استوارتری برای حفظ آثار جنگ تحمیلی فراهم گردد. زیرا متأسفانه با آنکه در همه زمینه‌ها از تجربیات غنی در تاریخ اسلام برخوردار هستیم، معهذراً جدا از این تجربیات و با تکیه بر عمل‌زدگی و برنامه‌زدگی رفتار می‌کنیم. حال آنکه با اتکاء به تجربیات تاریخی اسلامی در بازسازی و نوسازی مناطق جنگ‌زده و به دنبال آن در حفظ آثار جنگ تحمیلی، همواره باید این اصل بنیادی را مد نظر قرار داد که هر نوع ساخت و ساز باید در راستای حفظ ارزش‌های اصیل اسلامی باشد، اما در راستای رفع نیاز منطقی جامعه مانند سقاخانه‌ها که تشنه‌بان را سیراب نموده و یاد عاشورا را زنده نگه می‌دارد.

۱- استکبار نیز امروز درصدد تحمیل جهانیان است، مثال مشخص آن فیلم‌هایی است که در مورد سرخپوست‌ها ساخته‌اند، در این فیلم‌ها مردم بومی آمریکا که فقط از خود دفاع می‌کردند به عنوان وحشی و تجاوزگر قلمداد می‌شوند. مثل کارهای غرب به ویژه آمریکا در تبلیغات مسموم علیه جمهوری اسلامی ایران ... و ...